

رویکرد نظام عدالت کیفری و پلیس در بررسی جرم‌شناختی فساد اداری^۱

جهانگیر وفاتبار^۲، مهدی اسماعیلی^۳، حسن حاجی‌تبار فیروز جانی^۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۰۷

از صفحه ۱۱۷ تا ۱۴۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۱۳

چکیده

فساد اداری از کهن‌ترین جراحات نظام اداری، همزاد دولت و نتیجه تعامل درونی و محیطی بوده و از متن سازمان ظهور کرده است. فساد در همه ابعاد و سطوح آن سه ویژگی فراگیری، زیانبار بودن و قابلیت کنترل را داراست. لذا می‌توان قلمرو آن را کاسته و زیانهای آن را محدود کرد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و به شکل کتابخانه‌ای، برای پاسخ به کم و کیف رویکردهای پلیس در بررسی جرم‌شناختی فساد اداری و تأثیر رویکرد نظام عدالت در پراکندگی و تنوع جرم‌شناختی این جرم، بررسی علل ظهور فساد اداری و راههای مقابله با آن مورد توجه است. فساد در گستره و حوزه‌ها و سطوح متنوعی قابل ارتکاب است. وظیفه ضابطان دادگستری تشخیص، کشف و معرفی مرتکبین انواع فساد اداری به مقام قضایی ذیصلاح و پیشگیری از جرم با نظارت‌های گردش در سطح جامعه است. رویکرد پلیس در پیشگیری انتظامی به لحاظ ویژگی‌های خود از جمله کنشی، نظم‌مدار و شهروندمدار بودن از طریق بکارگیری ساختارها، کارکردها و آموزش‌های نوین و تخصصی میسر است. هدف از این تحول ساختاری در ضابطین دادگستری ایجاد شفافیت و بهره‌مندی از توان حداکثری نهاد پیشگیری انتظامی یا پلیس در مقابله با فساد اداری و ایفای نقش به نمایندگی از نظام عدالت کیفری در حوزه اداری است. دقت و کارایی قوانین و کمترین تأثیرپذیری آنها از تعاملات خصوصی مسئولان اداری و مدیران کلان، اختصاص منابع کافی توسط دولت به گروههای هدف (پلیس پیشگیری) برای آموزش و تجهیز ملزومات، پاکسازی درونی پلیس، تدوین چارچوب مسئولیتی، کنترل مناسب رویه‌ها برای تضمین عملکرد پلیس، تدوین کدهای اخلاقی برای کارکنان دولت و آموزش حین کار و درونی کردن فرهنگ فسادگریزی و فسادستیزی، ایجاد مکانیزمهای کشف و سرکوب فساد در قانون و تدبیر معکوس کردن ادله اثباتی فساد اداری رویکرد جدیدی است که علیرغم تغییر آن با نظام فعلی اثبات ادعا، بازدهی مناسبی در پاکسازی ریشه فساد اداری دارد.

واژگان کلیدی

فساد اداری، نظام عدالت کیفری، پلیس، جرم‌شناسی

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان "علل بروز و ظهور فساد اداری در ساختار دولتها و رویکرد نظام عدالت کیفری ایران در قبال آن" می‌باشد.

۲. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد واحد آیت الله آملی، آمل. رایانامه: vafatabargahangir@gmail.com

۳. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر (نویسنده مسئول). رایانامه: dresmaeili@yahoo.com

۴. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائمشهر. رایانامه: hajitabar@yahoo.com

۱. مقدمه

فساد اداری^۱ یکی از بیماریهای مزمن و کهنه‌ترین جراحات نظام اداری تلقی می‌شود؛ چرا که پدیده‌های همزاد دولت است. از هنگامی که فعالیتهای بشر شکل سازمان یافته‌ای به خود گرفت، فساد اداری نیز در نتیجه تعاملات درونی و تعامل با محیط از متن سازمان ظهور کرد. فساد اداری تا حد زیادی تحت تأثیر نظامهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و قضایی است و متقابلاً بر مشروعیت نظام سیاسی، کارایی نظام اداری و مطلوبیت نظام اجتماعی ضربات مهلکی وارد می‌آورد. در حال حاضر، فساد اداری دامی آشکار در برابر اقتدار نظامهای اداری در سراسر جهان قرار گرفته است و تمامی جوامع به مناسبت وضع سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، قانونی و ساختاری خاصی که در آن واقع شده‌اند تا حدی در این دام گرفتارند و هر نظام به اقتضای موقعیت و توانمندیهای خود در تلاش است به نوعی از این دام رهایی یابد و یا حداقل از درجه آسیب‌های آن بکاهد. مطالعات نشان می‌دهد اولاً فساد اداری به طور گسترده در بیشتر نقاط جهان بویژه در کشورهای در حال توسعه وجود دارد. ثانیاً این پدیده نه فقط از نظر نقص عدالت اداری و تضییع حقوق شهروندی، بلکه از نظر توسعه اقتصادی و سیاسی نیز برای جوامع بسیار زیانبار است و ثالثاً برخلاف تصور بسیاری از افراد، که فساد اداری را مسئله‌ای اجتناب‌ناپذیر و حل‌ناشدنی تلقی می‌کنند، روشهای مؤثری برای مهار آن وجود دارد. در نگاهی کلی، عمده‌ترین اقسام فساد عبارت است از: فساد سیاسی^۲، فساد قانونی^۳ و فساد اداری^۴ که مورد اخیر دقیقاً در متن سازمان اتفاق می‌افتد و دو مورد اول، یعنی فساد سیاسی و قانونی در سطوح کلانتر پدیدار می‌شود. به هر حال، هر سه مقوله نتیجه تعاملات سیاستمداران، بوروکراتها و شهروندان است. سه انگیزه اصلی برای هر کارمند هنگام مشارکت در فساد وجود دارد: ۱. نفع شخصی مستقیم ۲. دریافت رشوه نقدی و یا غیر نقدی از شخص ثالث ۳. کمک به دوستان و خویشاوندان (حبیبی، ۱۳۷۵، ص ۱۴-۱۷). تعاریف نوعی از فساد اغلب دربردارنده سه طبقه است که با هم همپوشانی دارند: ۱. سوء استفاده از پول یا پاداش برای منفعت شخصی ۲. تبادل نامناسب پول یا پاداش برای نفوذ یا قدرت نابجا ۳. تخلف از مصالح عمومی یا هنجارهای رفتار (زاهدی، محمدنبی و شهبازی، ۱۳۸۸، ص ۳۴).

بنابراین با پذیرفتن این سه واقعیت یعنی ۱. فراگیر بودن ۲. زیانبار بودن ۳. قابل کنترل

1. Administrative corruption
2. Political corruption
3. Legal corruption
4. Administrative corruption

بودن فساد اداری، ملزم هستیم که برای کاستن از قلمرو فساد و تحدید زیانهای آن به اقدامات جدیدتر و اصولی‌تری رو بیاوریم. چنین اقداماتی در جامعه ما، که در دوران اصلاحات و گذار به مرحله تکامل یافته‌تری از حیات خود قرار دارد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ از این رو، اقدام برای رویارویی با این مسئله اجتناب‌ناپذیر است. هر گام مؤثر به سوی مهار فساد اداری، مستلزم رسیدن به شناخت علمی از ماهیت، علل و پیامدهای آن است؛ بدین منظور این تحقیق در پی پاسخ به رویکردهای پلیس در بررسی جرم شناختی فساد اداری و تأثیر رویکرد نظام عدالت کیفری بر جرم‌شناسی این جرائم است. از رفتارهای زمینه‌ساز رفتارهای آمیخته با فساد می‌توان به تنگناهای اقتصادی، کم‌رنگ شدن ارزشهای انسانی، تشدید قوانین و مقررات غیرضروری و گسترش روحیه زیاده‌خواهی انسانها اشاره کرد که باعث می‌شود دیگران را در بازی داخل کند. در این نوشتار ضمن بررسی مقایسه‌ای و تطبیقی در علل ظهور و پیدایش فساد در ساختار دولتهای کشورهای توسعه یافته و ایران، سعی شده است باتبیین مفاهیم نظری و مبانی پژوهشی فساد اداری و انواع آن و بررسی علل پیدایش فساد از هر نوع و بررسی و مقایسه رویکردهای نظام عدالت کیفری به فساد دولتها و در نهایت نقش پلیس در این زمینه و با مدنظر قراردادن این فرضیه، که عوامل فرهنگی، روابط خویشاوندی، وسعت دامنه دخالت‌های دولت در کارها، عدم شفافیت قوانین و آیین‌نامه‌ها، محدودیت فعالیت بخش خصوصی و نبود نظارت‌های جدی از مهمترین عوامل بروز و ظهور فساد در ساختار دولتها است، باید برای علل پیدایش و ظهور فساد اداری در ساختار دولتها پاسخ و راهکاری مناسب یافت شود.

۲. سؤالات پژوهش

۱. رویکردهای پلیس در بررسی جرم شناسی چیست؟
۲. رویکرد نظام عدالت کیفری در جرم شناسی چه تأثیری دارد؟

۳. پیشینه پژوهش

نوذری فردوسیبه و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش «پیشگیری وضعی از فساد اداری در قوانین جمهوری اسلامی ایران» سعی کرده‌اند به بررسی راهکارهای پیشگیری از جرائم فساد اداری در معنای گسترده آن، که شامل اقدامات کیفری و غیرکیفری است، با تکیه بر مبانی فقه اسلامی و حقوق موضوعه بپردازند. از آنجا که همواره پیشگیری از جرم، اهمیت ویژه‌ای دارد در گام اول تدابیر پیشگیرانه اجتماعی و وضعی از فساد اداری تدوین، و سپس به جرم‌انگاری این مشکل و

پیش‌بینی ضمانت اجرای گوناگون آن پرداخته شد. از جمله تدابیر قانونگذار جمهوری اسلامی ایران در قوانین گوناگون به منظور اقدامات پیشگیرانه وضعی از فساد اداری، عبارت است از: ایجاد نهادهای نظارت و کنترل رسمی، مشارکت مردمی و کاهش ارتباط ارباب‌رجوع و کارمندان». هاشمی و پورامین‌زاد (۱۳۹۰) در پژوهش «فساد اداری و راهبردهای مبارزه با آن»، فساد اداری را محصول نظام اداری ناکارآمد، بوروکراسی منفی، نظام مدیریت غیر مؤثر و نبود نظام شایسته‌سالاری می‌دانند. آنها دلیل را در ابهام مقررات قوانین و روشها، کیفیت کار نظام دیوان سالاری، سطح دستمزدها در بخش دولتی، سامانه تنبیه و مجازات و نظارت‌های سازمانی دیدند. این مقاله، فساد در خریده‌ها و قراردادهای، رشوه، اختلاس، سوء استفاده از موقعیت چند مورد از فساد اداری را در بخش بازرگانی بررسی، و سامانه تدارکات الکترونیکی را پیشنهاد می‌کنند. سامانه الکترونیکی تدارکات موجب حذف ارتباطات چهره به چهره و مراجعات مکرر خریداران و فروشنده‌ها می‌شود و کاهش فساد اداری را به همراه دارد. آهالوا (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان «تدابیر مؤثر در پیشگیری و مبارزه با فساد و تشویق مشارکت بین بخش‌های دولتی و خصوصی» پس از تشریح عنوان و بررسی مباحثی چون سرمایه‌گذاری، تعقیب قضایی، حکم صادره، مصادره اموال حاصل از فرایند فساد و تدابیر پیشگیرانه علیه فساد چون رسانه‌ها و تمایل سیاسی به دنبال تعریفی دقیق از مفهوم فساد به واکاوی برخی از پرونده‌های فساد می‌پردازد و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که دولت‌ها باید به طور منظم گرد هم آیند تا کارایی قوانین فعلی را در مبارزه با فساد بازبینی کنند و به دنبال اندیشه‌های جدید در مبارزه با فساد باشند. لانگست (۱۹۹۹) در پژوهش «پیشگیری، ابزاری مؤثر برای مبارزه با فساد» با بررسی نقش دولت در داخل کشور به نقش مؤثر دولت در اصلاحات نظام اداری اشاره می‌کند و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که شش نظریه درباره فرایند مبارزه با فساد بهتر عمل می‌کند: ۱. اصلاح موفق نیازمند تجمیع و هماهنگی تمام اصلاحات در هر برنامه اصلاحات ملی، اصلاح خدمات مدنی، تمرکز دوباره، بسیج عمومی، خصوصی‌سازی و اصلاحات حقوقی است. ۲. اصلاح، فرایندی بلند مدت است که روش و شیوه هدایت آن باید بررسی و ارزیابی شود تا در تمامی سطوح کارایی لازم را داشته باشد. ۳. اصلاح کنندگان موفق می‌توانند انتظارات و تغییرات را در اثنای درک ساختارها و ضمانت‌های اجرا مدیریت کنند. ۴. اصلاحات باید تنها در حوزه‌هایی انجام شود که امکان مشاهده کارایی آن بر مسائل مهم ذی‌نفعان اصلی نشان داده شود؛ سرمایه‌گذاری در بیشترین میزان خود باشد؛ در موارد از هم گسیخته و جایی که اصلاح‌کنندگان بتوانند کارها را تحت کنترل درآورند. ۵. اصلاح، فرایندی است که برای ساختارهای غلط موجود ایجاد می‌شود که سال‌های سال پابرجا بوده است. ۶. فرایند و هدایت به سمت اصلاح باید به طور آشکاری از بالا حمایت شود.

۴. مبانی نظری پژوهش

شناسایی و تعریف مفاهیم موضوع مورد تحقیق از اهمیت اساسی و خاصی برخوردار است به گونه‌ای که بدون آشنایی لازم با اصطلاحات آن، مطلوب مورد نظر به دست نخواهد آمد.

۴-۱. فساد

ریشه فساد از فعل لاتین «رومپر» به معنای شکستن است. بنابراین در فساد آنچه می‌شکند یا نقض می‌شود، ممکن است رفتار اخلاقی با شیوه قانونی یا اغلب مقررات اداری باشد. تعریف فساد بنا به رشته‌ها و ساز و کارهایی که برای توضیح آن به کار می‌رود، متفاوت است. در فرهنگ فارسی، واژه فساد را به تباه شدن، نابود شدن، از بین رفتن، متلاشی شدن، تباهی، خرابی، نابودی، زیان، شرارت و بدکاری، ظلم و ستم معنی کرده‌اند (معین، ۱۳۸۷، ص ۷۶۸). فساد مفهوم گسترده‌ای است که طیف وسیعی از رفتارها و فعالیت‌های غیرقانونی، نامشروع، متقلبانه، غیراصولی و نابهنجار را شامل می‌شود. بیشتر تعاریف بر بهره‌برداری از قدرت، منابع و موقعیت دولتی برای دستیابی به اهداف شخصی تأکید می‌کند (مقیمی، ۱۳۸۷، ص ۸۷). فساد، سوء استفاده از قدرت (عمومی [دولتی]) برای مقاصد شخصی است که به زیان منافع عمومی است. ممکن است این تحصیل مقاصد یا منافع شخصی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم باشد. در اغلب اوقات، فساد مستلزم اختلاط حوزه عمومی با شخصی و یا تبادلی غیرقانونی و غیر مشروع بین این دو حوزه است (حسینی، فرهادی نژاد، ۱۳۸۰، ص ۱۳).

۴-۲. فساد اداری

فساد اداری، تخطی افراد از صداقت و درستکاری در وظایف دولتی، رفتارهای غیر قانونی یا نامناسب متصدیان پستها در بخشهای دولتی و خصوصی در راستای منافع شخصی خود یا بستگان‌شان و یا تحریک و جهت‌دهی به دیگران برای دست زدن به چنین اقدامات و رفتارهایی از طریق سوء استفاده از موقعیت‌های شغلی است که به دست آورده‌اند (مقیمی، پیشین، ص ۸۸ و ۸۷). فساد اداری به مجموعه رفتارهای آن دسته از کارکنان بخش عمومی اطلاق می‌شود که برای تأمین منافع شخصی، ضوابط و عرف پذیرفته شده را نادیده می‌گیرند (هانتینگتون، ۱۳۷۰، ص ۹۰ و ۹۱). فساد اداری یکی از شکلهای انحراف اجتماعی است و از لحاظ تقسیم‌بندی انحرافات، ذیل انحرافات سازمانی یقه سفیدان قرار می‌گیرد و در مجموع به رفتاری اطلاق می‌شود که در آن فرد برای تحقق منافع خصوصی خود و دستیابی به رفاه بیشتر یا موقعیت بهتر خارج از چارچوب رسمی وظایف نقش دولتی عمل می‌کند (یزدان‌پناه و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۳۸).

۳-۴. پیشگیری از فساد

یکی از رویکردهای سیاست جنایی، که در سالهای اخیر بیشتر مورد توجه حقوقدانان کیفری و جرم‌شناسان قرار گرفته، پیشگیری از وقوع جرائم است. لطمات و هزینه‌های اقتصادی که ارتکاب جرائم مختلف بر دولتها بار می‌کند، آنها را بر آن داشته است تا نسبت به اندیشیدن راهکارهایی به منظور حذف این مشکلات و همزمان از بین بردن یا به حداقل رسانیدن ارتکاب جرائم با پیشگیری از وقوع آنها ترغیب شوند. در پهنه سیاست جنایی ایران نیز برای پیشگیری از ارتکاب فساد تدابیر متعددی اتخاذ شده است. صادر شدن دستور تشکیل «ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی و مالی» در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۰ و یا تدوین و ابلاغ «سیاستهای کلی نظام اداری» در ۱۴ فروردین ۱۳۸۹ و یا تهیه و تصویب آیین‌نامه پیشگیری و مبارزه با رشوه در دستگاه‌های اجرایی در ۲۲ اسفند ۱۳۸۳ از جمله آنها به شمار می‌رود. بنابراین در دو سطح ماهوی و شکلی برای پیشگیری از فساد سیاستگذاری شده است تا در اثر به کارگیری تدابیر و اقدامهای غیرکیفری از تأثیرگذاری عوامل جرمزا بر گرایش شهروندان به ارتکاب این رفتارها کاسته شود. در همین چارچوب و به منظور پیشگیری از این جرمها قانون ارتقای سلامت نظام اداری (۱۳۹۰) به تصویب رسیده است تا از رهگذر به اجرا درآمدن این قانون و اقدامهای پیش‌بینی شده در آن از وقوع این جرمها پیشگیری شود. قوه مجریه نیز در همین راستا در واپسین روزهای سال ۱۳۹۲ به اتخاذ سیاستی تازه برای پیشگیری از فساد مبادرت ورزیده است. هیأت وزیران در ۲۱ اسفند سال یادشده «آیین‌نامه پیشگیری و مقابله نظام‌مند و پایدار با مفاسد اقتصادی در قوه مجریه» را به تصویب رسانیده است تا در عرصه دستگاه‌های اجرایی، تدابیر مناسب برای پیشگیری از وقوع فساد اتخاذ و اجرا شود. به هر رو همه نهادها برای کاهش شمار فساد باید در راستای از بین بردن و یا کاهش تأثیرگذاری عوامل جرمزا مشارکت کنند (دادخدایی، ۱۳۹۰، ص ۱۹۶).

۴-۴. پیشگیری وضعی از فساد

پیشگیری وضعی یکی از انواع پیشگیری است که با ماهیت غیرکیفری به دنبال کاهش و یا نامساعد جلوه دادن وضعیتهای پیش جنایی است. در واقع، این نوع پیشگیری بدون توجه به فرایند شکل‌گیری شخصیت افراد و صرفاً با تمرکز بر فرصتها درصدد مدیریت اوضاع و احوال پیش از ارتکاب بزهکاری و حفاظت از آماجها است (صفاری، ۱۳۸۰، ص ۲۹۲). پیشگیری وضعی، که ناظر بر موقعیتهای قبل از ارتکاب جرم و از بین بردن آنها به منظور حذف ارتکاب جرم است با توجه به رویکردهای جدید در جرم‌شناسی و کیفرشناسی از جمله رویکرد مدیریتی خطرمدار به جرائم دارای اهمیت بسیاری است؛ چرا که از رهگذر آن، می‌توان موقعیتهای جرمزا و هم‌چنین

افراد با تمایلات مجرمانه را کنترل کرد. تعاریف متعددی از پیشگیری وضعی ارائه شده است که از جمله می‌توان آن را «تغییر در موقعیتهای خاصی تعریف کرد که احتمال ارتکاب جرم در آن زیاد است به منظور دشوار کردن، پر خطر کردن یا جاذبه زدایی برای کسانی که قصد ارتکاب دارند» (ابراهیمی، ۱۳۹۰، ص ۸۹)؛ به عبارت دیگر در پیشگیری وضعی، که مبنای نظری آن در جرم‌شناسی، وضعیت ماقبل بزهکاری است، ما با فرایند گذار از اندیشه به عمل رو به رو، و خواستار تغییر وضعیت مشرف بر ارتکاب جرم هستیم تا بدین وسیله فرایند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه قطع و متوقف شود (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۰، ص ۷۵۳). پیشگیری وضعی بر این انگاره استوار است که بزهکاران احتمالی و انگیزه‌مند در صورت وجود آماج جاذبه‌دار و نبود حفاظت‌کننده و موانع مناسب به ارتکاب جرم مبادرت می‌ورزند؛ پس باید از رهگذر ساماندهی موقعیتهای پیش جنایی و آماج جرم از وقوع پدیده مجرمانه پیشگیری کرد. این گونه پیشگیری، بزهکاران را حسابگر به شمار می‌آورد و بر همین اساس است که به دلیل نامناسب نشان دادن وضعیتهای پیش جنایی و به طور کلی زیان‌آور بودن ارتکاب بزهکاری به دنبال پیشگیری از وقوع بزهکاری است. پیشگیری وضعی از فساد می‌تواند به شیوه‌های مختلف انجام شود:

۴-۴-۱. حکمرانی خوب

مهمترین راهکار پیشگیری از فساد در معاملات دولتی، تحقق حکمرانی خوب است. مفهوم حکمرانی خوب به دلیل جدید بودن آن با تعبیر و تفسیرهای متفاوتی رو به رو است؛ در این رابطه برخی معتقدند حکمرانی خوب مفهومی است که اخیراً در علوم سیاسی، اداره عمومی و مدیریت توسعه مطرح شده است. این مفهوم کنار مفاهیم و اصطلاحاتی مانند مردمسالاری، حقوق مدنی، مشارکت مردمی، حقوق بشر و توسعه اجتماعی پدیدار شده و در دهه اخیر با اصلاح بخش عمومی پیوند خورده است و در نظم مدیریت عمومی به عنوان مفهوم و الگوی جدیدی در نظر گرفته می‌شود که بر نقش مدیران عمومی در فراهم آوردن خدمات با کیفیت خوب تأکید می‌کند. هم‌چنین از افزایش خودمختاری مدیریتی بویژه کاهش نظارت سازمان مرکزی حکومت دفاع می‌کند (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲، ص ۹۳-۱۰۹). حکمرانی خوب اجرای اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری برای مدیریت کار ملت، تعریف شده است. این تعریف منظومه کامل از ساز و کارها، فرایندها و روابط و نهادهایی را شامل می‌شود که از طریق آنها اموری از قبیل زندگی عموم مدیریت می‌شود. حکمرانی خوب از مدیریت عمومی فراتر است؛ چرا که مردمسالاری مورد نظر در حکمرانی خوب به کشورها کمک می‌کند مشکلات پیش روی خود را حل و فصل کنند. حکمرانی خوب، هم وسیله است و هم هدف. حکمرانی خوب اگر همه عناصر مهم رضایتمندی را نشان دهد، هدف

خودش می‌شود. بنابراین حکمرانی خوب، عالیترین وضعیت توسعه و مدیریت کار ملت است؛ بدین صورت که شکل دموکراتیکی از حکومت است که مردم در فرایند تصمیم‌گیری مشارکت می‌کنند؛ خدمات به طور مؤثری عرضه می‌شود؛ حقوق بشر رعایت می‌گردد و حکومت، شفاف و پاسخگو است. حکمرانی خوب ابزار رسیدن به توسعه اقتصادی، توسعه حقوق بشر و عدالت اجتماعی مطرح است (قلی‌پور، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳-۱۲۷).

۲-۴-۴. منع شرکت مقامات دولتی در معاملات

منع شرکت مقامات دولتی در معاملات از دیگر روشهای پیشگیری وضعی از فساد اداری است. تعارض منافع از زمینه‌های بروز فساد تلقی می‌شود که در صورت عدم توجه و نبود ضمانت اجراهای مناسب می‌تواند به ارتکاب فساد منجر شود؛ چرا که هنگامی که منافع شخصی فرد در تعارض با منافع اداری قرار گیرد، وی (مأمور دولت) ممکن است به حفظ منافع شخصی و ترجیح آن بر منافع دولت، متمایل شود. بدون تردید این روند، یعنی ارتکاب فساد مستقیماً ثبات جامعه را متزلزل می‌کند؛ موجب بی‌ثباتی اجتماعی و سیاسی دولت، و در موارد شدید به عدم رضایت از دولت به دلیل سکوت در برابر چنین فعالیت‌هایی منتهی می‌شود (شمس ناتری و توسلی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۲۰۱).

۳-۴-۴. نظارت و کنترل

به روشهای مورد اشاره می‌توان نظارت و کنترل را نیز اضافه کرد. نظر به اینکه حجم قابل توجهی از عواید حاصل از جرائم اقتصادی بویژه فساد و پولشویی از طریق نظامهای پولی و بانکی به جریان می‌افتد و وارد ساختار اقتصادی کشور می‌شود، توجه به عملکرد این گونه مؤسسات با ایجاد سامانه جامع نظارتی و کنترلی برای آنها، و اجرای دقیق این نظام، می‌تواند عامل پیشگیرانه مهمی به شمار رود. با نظارت همواره خطر برملا شدن تخلف وجود دارد و به طور کلی ممکن است این نتیجه به دست آید که بین تأثیرات پیشگیرانه و خطر کشف، همبستگی وجود دارد (کورسل^۱، ۲۰۰۵، ص ۶۳).

۴-۴-۴. خصوصی‌سازی و کاهش نقش دولت

خصوصی‌سازی و کاهش نقش دولت نیز در پیشگیری وضعی از فساد اداری نقش مهمی دارد. مداخله دولت در عرصه اقتصاد بیش از حد وظایفی که کلاسیکها برای آن قائل شده‌اند (تنظیم قوانین و مقررات، تأمین نظم و امنیت، حفاظت از اجرای قراردادهای و...)، موجب رشد بوروکراسی

و بروز پدیده‌هایی مانند رشوه و رانت‌جویی خواهد شد که هزینه‌های اجتماعی مربوط به آنها، کل جامعه را در وضعیت بدتری قرار می‌دهد. واقعیت این است که از نظر تاریخی ساختار بازار بدون وجود دولت قوی و نظارتگر، قادر به ادامه حیات نیست. حتی در کشور پیشرفته سرمایه‌داری مانند ایالات متحده آمریکا نیز برخلاف تبلیغات گسترده، نظارت شدیدی بر عملکرد بازار وجود دارد. ایجاد فضای رقابتی در اقتصاد یکی از روشهای مؤثر پیشگیری از جرائم اقتصادی است. این موضوع تا آنجا اهمیت دارد که در حال حاضر بیش از یک صد کشور جهان قانون رقابت دارند و سازمان ملل متحد نیز در سال ۱۹۸۰ مجموعه اصول و قواعدی را در زمینه رقابت منتشر کرده، و در سال ۲۰۰۰ آن را مورد بازنگری قرار داده است.

۴-۴-۵. اعلام دارایی

الزام کارگزاران به اعلام داراییشان، خواه به عموم مردم و خواه به نهادهای دولتی ضد فساد به طور مؤثر از فساد پیشگیری می‌کند و اعلام داراییها و منافع، هم به کارگزار مورد نظر و هم به دولت در تعیین وجود تعارض منافع کمک می‌کند و ممکن است متضمن محروم شدن از منافع خصوصی یا اختصاص دوباره منافع عمومی به کارگزار دیگری باشد که در موقعیت متعارض قرار ندارد. به طور کلی الزام کارگزاران به اعلام کامل دارایی خود و دارایی خاص در مراحل مختلف کارشان، مبنا و ابزاری را برای مقایسه و شناسایی داراییها فراهم می‌کند که از طریق فساد به دست آمده است. می‌توان به طور متعارف از کارگزاری که در زمان سمت خود دارایی عمده‌ای را به دست آورده، خواست توضیح دهد این دارایی را از کجا آورده است. «توسل به چنین شیوه‌ای به منظور پیشگیری از بروز فساد، ایجاب می‌کند که دولتها، مقامات عمومی‌ای را که داراییهایشان طی دوره تصدی به شکل نامعقولی افزایش یافته و با توجه به عواید و درآمدهای قانونیشان دلیلی برای چنین افزایشی وجود نداشته است، تحت پیگرد و مجازات قرار دهند» (پاآتی افوسو و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۲۴).

۴-۴-۶. شفاف‌سازی

شرط لازم سالم بودن هر نظام اقتصادی، وجود شفافیت مالی در ابعاد مختلف بویژه شفافیت در عملیات دولتی است؛ چرا که این جرائم در مقایسه با جرائم عادی در محیط‌هایی ارتکاب می‌یابد که ابهام و عدم شفافیت حاکم است. شفاف‌سازی دولت در وهله اول مستلزم ارائه اطلاعات قابل اعتماد درباره اهداف کلان سیاستهای مالی دولت، و سپس انتشار اطلاعات تفصیلی درباره عملیات دولت است. از جمله مصداقهای راهبردهای پیشگیرانه وضعی برای کنترل مؤثر جرم، که بازداشتن افراد از نقض قانون و پیشگیری از جرائم اقتصادی را به دنبال دارد، ارتقای شفافیت در فعالیتها و معاملات دولتی است.

از دیدگاه اقتصادی، شفافیت به معنی اطلاع‌رسانی واقعی و همه جانبه در عرصه فعالیتهای اقتصادی و روشن بودن سازوکارهای حاکم بر روابط اقتصادی یعنی چگونگی تولید و توزیع ثروت در جامعه است. شفافیت اقتصادی علاوه بر اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌های جمعی و مطبوعات، شامل اطلاع‌رسانی ناشی از عملکرد مناسب ساختارهای اقتصادی از جمله ساختار قیمت‌هاست که در نظام بازار رقابتی، اطلاعات صحیح و دقیقی را درباره وضعیت کمیابی منابع در اختیار تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان قرار می‌دهد و آنها را در تصمیم‌گیریهای عقلایی و تخصیص بهینه منابع رهنمون می‌سازد. به جرأت می‌توان گفت که مهمترین عامل وضعی موجد فساد، «عدم شفافیت وضع در ایجاد آن» است (همدمی خطبه‌سرا، ۱۳۸۳، ص ۱۴۶). می‌توان عدم شفاف‌سازی را شاخصترین علت ایجاد کننده فساد مالی دانست. تشکیل سازمان شفافیت بین‌المللی، گامی بزرگ در یادآوری فساد برای همه کشورهای جهان است. بر اساس آمارهای این سازمان، نظامهایی که عملکردشان با شفافیت همراه است بر خلاف آنهایی که به صورت پنهانی فعالیت می‌کنند، کمتر دچار فساد می‌شوند. در این راستا قسمت (ط) ماده ۷ «قانون برنامه چهارم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، دولت را مکلف کرده است که با تجهیز دستگاه‌ها و واحدهای مربوط و با رعایت استانداردها و چارچوب نظام بازرگانی و تجارت الکترونیکی، اقدامات لازم را توسط دستگاه‌ها برای اجرای مناقصه‌ها، مزایده‌ها و مسابقه‌های خرید و فروش کالا و خدمات و عملیات مالی و اعتباری در محیط رایانه‌ای و شبکه‌های اطلاع‌رسانی انجام دهد.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. مصداقهای فساد اداری در حقوق ایران

۵-۱-۱. ارتشا

رشوه در معنای اصطلاحی، دادن مالی است به مأمور رسمی یا غیررسمی دولتی یا بلدی به منظور انجام دادن کاری از کارهای اداری و قضایی، گرچه آن کار به شغل گیرنده مال مربوط نباشد؛ خواه مستقیم آن مال را دریافت کند یا به واسطه شخصی دیگر آن را بگیرد. این شخص واسطه را در فقه «ریش» گویند و دهنده مال را «راشی» و گیرنده مال را «مرتشی» خوانند. شرط تحقق رشوه، تبانی و توافق گیرنده و دهنده برای دادن و گرفتن رشوه است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷، ص ۳۱۱). در تعریف از ماهیت رشوه، سه دیدگاه متصور می‌شود:

- رشوه، مالی است که حاکم یا فقیه می‌گیرد؛ ولی این مال صرفاً حق‌السعی است و حکم به نفع راشی نمی‌کند؛ یعنی مال برای رسیدگی و صدور حکم است (جعل؛ یعنی همان حق‌الزحمه).

- رشوه، مالی است که برای قضاوت ناحق از راشی گرفته می‌شود که در این نظر، رشوه، مال «مبدول للباطل»، و ویژه مالی است که برای حاکم به ناحق گرفته می‌شود.

- رشوه مالی است که از طرف باذل پرداخته می‌شود که به نفع او حکم صادر شود. غرض از رشوه، رسیدن به هدف با توطئه و مصلحت است؛ چه راشی بر حق باشد و چه بر باطل. در معنای اصطلاحی حقوقی، ارتشا را نیز می‌توان به معنای گرفتن مال یا سند تسلیم وجه یا مال به مأموران دولت یا کارکنان شاغل در نهادهای عمومی یا دیگر افراد مذکور در قانون برای انجام دادن یا انجام ندادن وظایف سازمان محل اشتغال آنها دانست. در حقوق اسلامی و فقه نیز مسئله رشوه سابقه و، ریشه قرآنی دارد. فقهای عظام با توجه به صراحت آیات قرآن و احادیث و اخبار، بر حرمت رشوه فتوا داده‌اند؛ افزون بر اینکه، بنا بر حکم عقل نیز رشوه‌خواری به دلیل زیانهای فراوان فردی و اجتماعی آن، مردود و ناپسند است.

۵-۱-۲. اختلاس

اختلاس اموال عمومی از جمله تعدیات کارکنان و کارمندان دولت یا وابسته به دولت به اموال متعلق به دولت یا اشخاص دیگر است که همواره تهدیدی جدی علیه دولت و ملت قلمداد می‌شود. به منظور جلوگیری از سوء استفاده‌های کارمندان دولت از سرمایه و اموال در اختیارشان و تضمین هر چه بیشتر منافع دولت، قانونگذار در صدد حمایت کیفری از این دسته اموال برآمده که تحت عنوان جرم اختلاس است. یکی از جرائم مالی و غیر قابل گذشت، که رسیدگی آن در صلاحیت دادسرا و دادگاه عمومی است، جرم اختلاس است که قانونگذار در اصل ۴۹ قانون اساسی، دولت را موظف می‌کند تا ثروتهای ناشی از اختلاس را بگیرد و حسب مورد به بیت‌المال یا صاحب حق باز گرداند و در مواد ۵ و ۶ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۴/۶/۲۸ مجلس شورای اسلامی است و به تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام هم رسیده است. قابل توجه است که طبق ماده ۵۹۸ قانون مجازات اہمال یا تفریطی که موجب تضییع اموال و وجوه دولتی شود، از مصداقهای تصرف غیرقانونی شمرده شده است؛ مانند استفاده‌های غیرقانونی یا بیش از ظرفیت از وسایل برقی دولت که موجب خرابی وسایل بشود یا سهل‌انگاری نگهبان یا کشیک که موجب دزدیده شدن اموال دولتی در مالی شود که به موجب تبصره یک، ائتلاف عمدی مشمول مجازات اختلاس خواهد بود. بنابراین وجه تمایز اختلاس با تصرف غیرقانونی، عنصر روانی آنها است که در اختلاس برداشت به قصد تملک وجود دارد، اما در تصرف غیرقانونی قصد تملک وجود ندارد (حبیب‌زاده و منصورآبادی، ۱۳۷۹، ص ۳۶). ترکیب لغوی غیرقانونی در تصرف با غیرمجاز و نامشروع مترادف است. در اصطلاح، تصرف غیرقانونی،

«تصرف بدون مجوز قانونی امنای اموال دولت (یا اموالی که متعلق به افراد و اشخاص است و دولت به امانت آنها را نگه می‌دارد). در اموال منقولی است که امین در نگهداری آنها هستند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۶). پس تصرف غیرقانونی استیلا در اموال یا حقوق دیگری و استفاده از آن، خارج از اختیارات قانونی و یا بدون مجوز مقامات صلاحیتدار است. واژه وجوه جمع وجه و در لغت به معنی چهره، طریقه و پول آمده است (عمید، ۱۳۷۷، ص ۱۱۸۷). از دیدگاه بررسی عمده عام و خاص در جرم تصرف غیرقانونی این نکته حائز اهمیت است که وضعیت خاص کارکنان دولت طرح هر گونه ادعایی مبنی بر عدم اطلاع از مالکیت دولت یا عموم نسبت به اموال یا وجوهی را رد می‌کند که در اختیار ایشان قرار گرفته است (حبیب‌زاده و منصورآبادی، ۱۳۷۹، ص ۱۷)؛ به بیان دیگر هر کارمند دولتی می‌داند که اموال و وجوهی که در اختیار اوست بنا به وضعیت هر کدام متعلق به دولت یا عموم مردم است؛ لذا نمی‌توان در آن دخل و تصرف کرد؛ پس صرف اقدام در جهت استفاده از اموال یا این وجوه و هم‌چنین صرف اقدام در به مصرف رساندن اعتبار در غیر موارد پیش‌بینی شده در قانون را می‌توان به منزله قصد یا سوء نیت عام دانست. از طرفی در صورتی که از این اقدامات نتیجه خاصی مدنظر کارمند باشد، رسیدن به نتیجه مورد نظر عمده خاص تلقی می‌شود؛ به عنوان مثال کارمندی که بر حسب وظیفه اعتبار تخصیص یافته برای تعمیر ساختمان اداری را به منظور خرید قطعات یدکی اتومبیل هزینه کند به دلیل اقدام در جهت نقض قانون مبنی بر لزوم هزینه صحیح اعتبار مصوب دارای عمد یا سوء نیت عام و نظر به هزینه کردن اعتبار برای خرید قطعات یدکی اتومبیل دارای عمد یا سوء نیت خاص است (حبیب‌زاده و منصورآبادی، پیشین، ص ۱۸).

۳-۱-۵. تبانی در معاملات دولتی

تبانی «با یگدیگر قرار نهادن، نهانی پیمان بستن (بیشتر تبانی ضد شخص ثالثی) است. این کلمه را فارسی زبانان از «ب ن ی» ساخته‌اند» (معین، ۱۳۶۳، ص ۱۰۱۹). این واژه در قوانین موضوعه ما کاربرد متعددی دارد و از مجموع مواد قانونی گوناگونی که به این امر پرداخته است و با ملحوظ داشتن این مفاهیم و مقررات می‌توان در اصطلاح حقوق جزا تبانی را چنین تعریف کرد: تبانی، توافق و پیمان دو یا چند نفر به منظور ارتکاب جرم یا از بین بردن آثار و دلائل جرم به منظور مبری کردن متهم و مجرم از مسئولیت کیفری، محاکمه و مجازات یا به سبب جلب منفعت و تحصیل سود برای خود و اضرار به دیگری است. تبانی در معاملات دولتی عنوان مجرمانه است به معنی همدستی پنهان دو یا چند نفر در معاملات یا مناقصه‌ها و مزایده‌های دولتی یا شرکتها و مؤسسات وابسته به دولت یا مأمور به خدمات عمومی و یا شهرداریها به منظور تحصیل

مال و منفعت نامشروع که در نتیجه به زیان دولت یا شرکتها و آن مؤسسات انجامد» (ایمانی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۱). به نظر نگارنده برای تحقق تبانی در معاملات دولتی قصد خاص و تحصیل مال و منفعت نامشروع شرط نیست. در قوانین ایران جرم تبانی تعریف نشده است. قانونگذار فقط در دو مورد یکی ارتکاب جرمهای ضد امنیت داخلی یا خارجی کشور (ماده ۱۶۰ ق.م.ا) و دومی، تبانی برای ارتکاب جرم علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم (ماده ۶۱۱ ق.م.ا)، تبانی را جرم دانسته است و درباره دیگر موارد مانند تبانی برای ارتکاب جرم علیه اموال و معاملات دولتی حکمی ندارد. از سوی دیگر، ماده واحده قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی، تبانی را فقط در صورتی جرم می‌داند که در نتیجه آن ضرری متوجه دستگاه‌های اجرایی ذکر شده در ماده واحده شود. بنابراین، صرف تبانی تا وقتی به ضرر منتهی نشود، جرم نیست. این ماده واحده سه حالت را دربر می‌گیرد: اول: فقط اشخاص غیرکارمند دولت در برگزاری مناقصه با هم تبانی کنند. دوم: کارکنان دولت از وجود تبانی از سوی اشخاص غیردولتی آگاه شوند و با وجود این، معامله را انجام می‌دهند. سوم: کارکنان بخش دولتی در تبانی از سوی افراد تبانی‌کننده شرکت یا معاونت کنند. براساس قانون برگزاری مناقصات (بند ب ماده ۴)، مناقصات از نظر روش دعوت مناقصه‌گران به مناقصه عمومی و مناقصه محدود تقسیم می‌شود. در مناقصه عمومی، فراخوان مناقصه از رهگذر آگهی عمومی به اطلاع مناقصه‌گران می‌رسد. در مناقصه محدود، محدودیت برگزاری مناقصه عمومی به تشخیص و مسئولیت بالاترین مقام دستگاه مناقصه‌گذار با ذکر دلایل تأیید می‌شود. فراخوان مناقصه از رهگذر فرستادن «دعوت‌نامه» به اطلاع مناقصه‌گران صلاحیت‌دار می‌رسد (بیابانی، ۱۳۹۰، ص ۷۸).

۴-۱-۵. تحصیل مال نامشروع

تحقق هر یک از جرائم، بر تحقق سه عنصر قانونی، مادی و روانی متوقف است. هر یک از این عناصر نیز ویژگیها و اوضاع و احوال خاصی را در مسیر تحقق به خود اختصاص می‌دهد؛ بدین ترتیب شناخت هر جرمی با شناخت و مطالعه این عناصر و ارکان سه گانه ممکن و متصور است. عنصر قانونی جرم تحصیل مال از طریق نامشروع، ساده است؛ با این توضیح که حقوقدانان جرمی را که مجازات آن در یک ماده قانونی بیان شده است دارای عنصر قانونی ساده و در مقابل جرمی را که مجازات آنها در دو یا چند ماده قانونی آمده است دارای عنصر قانونی مرکب

۱. هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی کنند که جرمی بر ضد امنیت داخلی یا خارجی کشور مرتکب شوند یا وسایل ارتکاب آن را فراهم کنند، در صورتی که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد.

۲. «هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی کنند که علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم اقدام کنند و مقدمات اجرایی را هم تدارک دیده باشند ولی بدون اراده خود به اقدام موفق نشوند، حسب مراتب به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد».

می‌دانند؛ بدین ترتیب عنصر قانونی جرم تحصیل مال از طریق نامشروع، ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام است. این ماده قانونی مقرر می‌دارد: «هرکس به نحوی از انحا امتیازاتی را که به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض می‌گردد، نظیر جواز صادرات و واردات و آنچه عرفاً موافقت اصولی گفته می‌شود در معرض خرید و فروش قرار دهد و یا از آن سوء استفاده نماید و یا در توزیع کالاهایی که مقرر بوده است، طبق ضوابطی عمل نماید، مرتکب تقلب شود و یا به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است، مجرم محسوب و علاوه بر رد اصل مال به مجازات سه ماه تا دو سال حبس و یا جریمه نقدی معادل دو برابر مال به دست آمده محکوم خواهد شد». تبصره ذیل این ماده نیز اشعار می‌دارد: «در موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات تخفیف و تعلیق، دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره ۱ ماده ۱ این قانون خواهد بود». عنصر مادی، یکی از اجزای لازم برای تحقق جرم است و خود شامل اجزایی است. رفتار فیزیکی، مجموعه شرایط و اوضاع و احوالی است که وجود یا عدم آنها شرط تحقق جرم است و نتیجه رفتار مرتکب را می‌توان اجزای تشکیل دهنده عنصر مادی جرم دانست (میرمحمد صادقی، ۱۳۷۹، ص ۵۳).

۵-۱-۵. تدلیس در معاملات دولتی

تدلیس به معنی فریب دادن و پنهان کردن واقع است؛ پس هرگاه فروشنده وصفی موهوم را به کالای خود نسبت دهد یا عیبی را که در آن است بپوشاند، می‌گویند در معامله تدلیس کرده است (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۲۴۵). از نظر کیفری، تدلیس از باب اغفال و معلول صحنه‌سازی متقلبانه کسی است که دیگری را فریب می‌دهد و وجه مالی را به نفع خود یا دیگری تحمیل می‌کند (ولیدی، ۱۳۸۰، ص ۴۲۴). به نظر می‌رسد این جرم از نظر عنوان مجرمانه از خانواده کلاهبرداری به شمار می‌رود؛ چه اینکه شباهت‌های بسیاری بین آنها دیده می‌شود و حتی تدلیس در موضوع ماده ۵۹۹ قانون مجازات اسلامی را می‌توان از صورتهای خاص کلاهبرداری برشمرد؛ چرا که در تدلیس مثل کلاهبرداری توسل به وسایل متقلبانه وجود دارد و هم‌چنین در هر دو جرم قصد حصول نتیجه و بردن منفعت مدنظر است. از طرفی در هر دو جرم باید ضرر و قصد ضرر به دیگری وجود داشته باشد؛ لیکن از آنجا که اثر تدلیس کارمند یا کسی که مأمور اجرای معامله دولتی است، موجبات ضرر و زیان دولت را فراهم می‌کند، قانونگذار تدلیس را در باب جرائم مالی کارکنان دولت علیه دولت و ملحق به جرائم اختلاس کرده و مورد حکم قرار داده است (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۹).

۲-۵. نقش پلیس ایران در مبارزه و پیشگیری از فساد اداری

در بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضاییه به عهده نیروی انتظامی محول است از قبیل الف) مبارزه با مواد مخدر ب) مبارزه با قاچاق ج) مبارزه با منکرات و فساد د) پیشگیری از وقوع جرم ه) کشف جرائم و) بازرسی و تحقیق ز) حفظ آثار و دلایل جرم ح) دستگیری متهمان و مجرمان و جلوگیری از فرار و اختفای آنها ط) اجرا و ابلاغ احکام قضایی».

هرچند در بند "د" این ماده، پیشگیری از وقوع جرم را تصریح کرده است، برخی از حقوقدانان با اشاره به ماده ۲۸ قانون آیین کیفری که اشعار می‌دارد: «ضابطين دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند» بر این عقیده‌اند که پیشگیری جزء وظایف نیروی انتظامی نیست. با تدقیق در مفاد قوانین مختلف و استخراج مفاهیم ماهوی پلیس در جایگاه ضابطان دادگستری و با ملحوظ داشتن حفظ حقوق شهروندی شهروندان، می‌توان گفت پلیس، سازمانی دولتی است که طبق دایره اختیاراتی که قانون برای آن تعیین کرده است، وظیفه خود را انجام می‌دهد؛ از جمله وظایف حائز اهمیت و در عین حال پرخطر نیروهای پلیس هر جامعه، می‌توان به کشف و تعقیب جرم ضمن هماهنگی و تحت نظارت مقام قضایی و پیشگیری از وقوع جرم با نظارتهای گردشی در سطح جامعه اشاره کرد. قطعاً اجرای هر مأموریتی، نیازمند اعطای اختیارات به مجری آن است. بنابراین دولتها باید به نیروهای پلیس، که وظیفه خطیر اجرای قانون را در جامعه بر عهده دارند، اختیارات منحصر به فردی اعطا کنند تا نیروهای پلیس بتوانند در اجرای مأموریت خود، برقراری نظم و امنیت عمومی در جامعه و ارتقای آن را دنبال کنند؛ به زبانی ساده‌تر مفهوم پیشگیری انتظامی مبتنی بر توان نیروهای پلیس در تحقق اهداف پیشگیرانه آنان از وقوع جرم است؛ یعنی مبنای پیشگیری انتظامی، اختیارات و تواناییهای نیروهای پلیس در پیشگیری از جرم در جامعه است؛ زیرا نیروی پلیس به لحاظ داشتن اختیارات و ابزار ویژه می‌تواند نقش بسیار حائز اهمیتی در کاهش میزان جرائم در هر مرحله از وقوع آن داشته باشد.

۳-۵. عناصر بنیادین پلیسی در مبارزه با فساد اداری

برای کشف جایگاه پلیس در مبارزه با فساد اداری با رویکرد کلی جرم‌شناختی، باید عناصر اصلی مورد نیاز مبارزه با فساد بررسی، و میزان عملکرد پلیس در این محدوده تعیین شود. پلیس

چگونه آموزش می‌بیند؟ چه گروهی از نهاد پلیس برای این امر تخصیص یافته‌اند؟ معیارهای ارتقای کارکرد پلیس در مبارزه با فساد اداری چیست؟ پاسخ به این پرسشها نیازمند بررسی موانع اقتدار پلیسی در مبارزه با فساد اداری است.

۵-۳-۱. آموزش

آموزش می‌تواند از دیدگاه نظری، کارکرد پلیس در مقابله با فساد اداری و عملکرد آن را سامان داده و تضمینات مهمی علیه فساد به دست دهد. پلیس و بخصوص پلیس پیشگیری، باید آموزشهای لازم را درباره حقوق شهروندان، حس وظیفه‌شناسی، مسؤولیت مدنی و کنترل اجتماعی ببینند. تعیین محدوده اختیارات و گستره عملکرد آنها در رویارویی با فساد اداری، درک صحیحی از حقوق به آنها می‌دهد که در صورت تخطی از مقررات، متوجه پیامد آن باشند. پلیسی که خطا بودن فساد اداری در وی درونی شود و خود از ارتکاب آن سر باز زند، می‌تواند در مقابله با آن نیز تدابیر لازم را اتخاذ کند. روشهای آموزشی ضعیف تنها به تشدید خطاها در فرایند گزینش پلیس تخصصی در مبارزه با فساد و جریان فساد در درون پلیس (عقبگرد) منجر می‌شود.

۵-۳-۲. فقدان منابع

نبود منابع بیشتر از کمبود فرهنگی و آموزشی نشأت می‌گیرد؛ چرا که میزان اهمیتی که به هر مسئله داده می‌شود، میزان تخصیص منابع به آن امر را رقم می‌زند؛ لذا کم اهمیت و در حاشیه بودن فساد اداری می‌تواند عملکرد پلیس را نیز به حاشیه بکشاند و تنها در حد شعار باقی بماند. از میان منابع مبارزه با فساد اداری در عملکرد پلیس، منبع مالی جایگاه ویژه‌ای دارد. نبود منابع مالی، کمبود نیروی انسانی، ضعف آموزشها، عدم امکان تأمین ابزارهای لازم برای اجرای وظیفه و عدم تمرکز تخصصی بر مبارزه با فساد اداری را به همراه خواهد داشت.

۵-۳-۳. ضعف نظام پاسخگویی

فساد اداری و گستردگی و فراگیری آن در سطوح گوناگون اداری، ناشی از ضعف نظام پاسخگویی است. مشکل در نظام اداری ایران این است که تنها زمانی امکان پیگیری ارتکاب نمونه‌های فساد اداری وجود دارد که گزارشی از سوی شخص متضرر یا مافوق به مقامات نظارتی و بازرسی صورت گرفته باشد؛ یعنی زمانی که جرم واقع، و نتیجه حاصل شده است؛ لیکن پلیس پیشگیری می‌تواند خارج از چارچوب قانونی ارتکاب جرم فساد اداری، پیش از اینکه عملکرد اداری آلوده به ضرر اشخاص حقیقی یا حقوقی منتهی شود، وارد عمل شود و به صورت نامحسوس گروه‌های آلوده یا مستعد فساد را شناسایی کند و با ارائه گزارش به مقامات ذی‌ربط به تقویت

موقعیت شغلی مرتبط به دلیل حذف عنصر مخرب و جایگزینی بینجامد؛ بدین ترتیب با نگرش جرم‌شناختی به پیشگیری از وقوع خطاهای انسانی و انحراف اجرای کارها از مسیر اداری و قانونی مساعدت می‌کند. در این صورت پلیس پیشگیری به عنوان یک بازوی کمکی به نهادهای نظارتی و بازرسی کمک می‌کند و از آمار پرونده‌های محاکم می‌کاهد. امکان پنهان‌سازی دلایل وقوع فساد اداری، قانون مبهم، مشارکت شهروندان در عدم توفیق عدالت و سهل‌انگاری نظام قضایی عوامل مهم فرار از دادرسی و پاسخگویی عادلانه است. بدیهی است پلیس نمی‌تواند در خلأ وظیفه خود را انجام دهد؛ بلکه پلیس باید آمادگی لازم را برای پاسخگویی نسبت به هنجارهای غالب بخشهای نظام دادرسی بدون خطا داشته باشد. باید طوری کیفیت عملکرد پلیس پیشگیری درونی شود که واکنش به فساد اداری را به وقوع جرم منوط ندانند بلکه به اصل «پیشگیری بهتر از درمان است» آگاهی کامل داشته باشند و در همین راستا برنامه‌ریزی کنند. نبود پاسخگویی در پلیس نسبت به فساد اداری در نظام عدالت ممکن است ناشی از نبود پاسخگویی در حقوق و نظام عدالت باشد.

۴-۳-۵. ضعف قوانین

فرهنگ پلیسی با محوریت پیشگیری از فساد اداری، مستلزم حمایت قوانینی است که ضمانت اجرایی برای سهو و سکوت در مقابل وقوع جرم فساد اداری پیش‌بینی کرده باشد و گستره وسیعی از اختیار تحصیل دلایل در اختیار نهاد پلیس قرار دهد. در سایه طرز تفکر محدود در نگارش قانون است که پلیس پیشگیری نمی‌تواند براهتی وارد عمل و چه بسا خود نیز آلوده شود و چرخه وقوع جرم را آسان کند. در وضعیتی که قانون حق سکوت را به کارکنان دولت و افراد مظنون به ارتکاب فساد اداری بدهد و دست پلیس را با عباراتی نظیر «ظن قوی به ارتکاب جرم» در پرونده‌های کیفری و «تعادل احتمالات» در دعاوی حقوقی جبران خسارات ناشی از فساد اداری ببندد، نمی‌توان به کیفیت مطلوب در راستای پیشگیری از فساد اداری امیدوار بود.

۵-۳-۵. فساد ساختاری

وجود فساد در نهاد پلیس موضوع بسیاری از نظریات سیاسی و اجتماعی است. اگر پلیس به عنوان نهاد مقابله‌کننده با فساد، خود درگیر همان مشکل باشد، نمی‌توان انتظاری بیش از محافظه‌کاری یا تعاملات نامتعارف در برخورد با فساد دیگر ارکان اداری داشت بویژه اگر فساد پلیس در مقامات بالاتر باشد. کرم خوردگی نهاد پلیس از درون به تخریب وجهه آن در دید عموم منجر خواهد شد. جلب اعتماد دوباره نیز کاری بس دشوار خواهد بود. خطاهای پلیسی از دید عموم دور نمی‌ماند؛ چرا که به عنوان آخری مأوای مردم و اولین مرجع پاسخگویی به تظلمات عمومی همین نهاد است که در صورت مغالطه کاری، دست شهروندان را از دسترسی به نهاد

قضایی نیز کوتاه می‌کند. دو عامل از فساد ساختاری می‌کاهد: اول تلاش گسترده درون سازمانی برای مدیریت پلیس و دیگری نظارت گسترده بر عملکرد پلیس و توجه دقیق به گزارشهای مردمی.

۵-۳-۶. زمینه‌های فرهنگی

شکاف در پاسخگویی رسمی به کاهش عملکرد پلیسی در پیشگیری از فساد اداری منجر می‌شود. گروهی از ادارات با مدیریت منسجم و سختگیرانه به دنبال کشف فساد در درون خود هستند و برعکس بسیاری از آنها تنها به تذکر شفاهی و حتی سکوت! بسنده می‌کنند. این دوگانگی نگرش در درون نهاد اداری به سستی نظام پاسخگویی رسمی می‌انجامد و به دنبال آن سوء استفاده از خلأهای نهادی خواهد بود. یکپارچگی فرهنگ مقابله با فساد اداری در تمام نهادهای اداری و در تمام سطوح شغلی و تقویت همین نگرش در نهاد پلیس بویژه پلیس پیشگیری، ضعفهای موجود را تا حدی پوشش می‌دهد.

۵-۳-۷. تقویت آداب فرهنگی

در صورتی که نهاد پلیس و هر نهاد نظارتی دیگر مانند سازمان بازرسی کل کشور، منتظر وقوع جرم و علنی شدن آثار فساد اداری در درون جامعه و ساختار اداری موجود شوند، باید منتظر بی‌اعتمادی عمومی به نظام اداری و اقدامات علی‌الرأس اشخاص حقیقی یا حقوقی در دور زدن قانون نیز بود؛ لذا عملکرد پلیس پیشگیری به افزایش زشتی این رفتار و انتظار مداوم کارکنان ادارات در کشف خطاهای آنها و ارتکاب حداقلی فساد اداری منجر خواهد شد. همین رویکرد پیشگیرانه پلیسی، اذهان اجتماع را نسبت به نگرش دولتی به مقابله با فساد اداری به سمت اعتمادسازی سوق می‌دهد و البته رسوم فرهنگی در این راستا را تقویت می‌کند و عامه مردم را از مشارکت در این قبیل خطاها باز می‌دارد. همین کاهش مشارکت خود مجازات فرهنگی و ضربه محکمی به ساختار فساد اداری است؛ زیرا وقتی یک طرف ارتکاب این جرم از چرخه خارج شود، دیگر ارکان فساد یا رأی تکمیل و اثرگذاری نخواهند داشت.

۵-۳-۸. لزوم تمرکز بر و درگیری با فساد

تدابیر پلیس پیشگیری باید بر شناسایی عوامل مخرب در نظام اداری، عوامل آسان کننده، بررسی نواقص ساختاری و ارائه پیشنهاد جرم‌شناسانه برای تقویت نظام عدالت اداری و قضایی متمرکز شود. پلیس پیشگیری برخورد فیزیکی با عاملان جرم ندارد. تمرکز پلیس پیشگیری بر مرحله پیش از وقوع جرم است. تا وقتی این تدابیر اتخاذ نشود، نمی‌توان عوامل اصلی فساد اداری را تشخیص داد و به کنترل و در صورت لزوم حذف آنها و در نهایت پیشگیری از وقوع فساد دست یافت.

فساد اداری از جرائم همه‌گیر، عادی‌سازی می‌شود و همگون با جایگذاری اهداف غیرقانونی برخی از شهروندان و در پی آن، دشواری در امکان اثبات ادعا علیه فرد خاطی است. رویکرد حقوقی برای حل این مشکل می‌تواند معکوس کردن بار اثبات دلیل از سوی شخص مظنون باشد به طوری که در صورت ورود اتهام به وی و بررسی دلائل اگر به رغم وجود آثار جرم، امکان انتساب جرم به فرد نباشد، بار اثبات ادعا را به دوش وی می‌اندازد و اثبات اجرای صحیح روش اداری در اجرای کارهای مراجعه‌کنندگان و ارائه دلائل اثبات‌کننده را بر وی تحمیل کرد. این رویکرد نکات مثبتی به دنبال دارد: نخست، تمام کارکنان، خود را ملزم می‌دانند که امور اداری را با حداقل خطا انجام دهند و برای تمام کارهای خود، گزارش و دلایل مبسوطی فراهم کنند که در صورت ورود اتهام، امکان دفاع از خویش را داشته باشند. دوم، اشخاص مراجعه‌کننده نیز رغبت اجرای غیرقانونی خواسته‌های خود را از دست می‌دهند و به علت فرض مسئولیت در کارکنان دولت، کمتر با پاسخ مثبت رو به رو می‌شوند.

۶. نتیجه‌گیری

همواره ایجاد تعامل میان پیشگیری انتظامی و پیشگیری کیفری یکی از اساسی‌ترین موضوعات قرن اخیر بوده است. نهادهای مبتنی بر عدالت کیفری با سرعت، حتمیت، دقت و قطعیت در اجرای مأموریت‌های خود می‌توانند از تکرار جرم جلوگیری کنند و هم‌چنین وجود تخصص در این گونه نهادها موجب افزایش میزان دقت و سرعت در عملکرد آنها خواهد شد. برای رسیدن به این هدف از درون نهاد عدالت کیفری، پلیس پا به منصفه حضور می‌نهد تا نقش بسزای خود را در پیشگیری از تکرار جرم محقق سازد. این موضوع امروزه لزوم کنترل و مداخله پلیس را در بحران‌ها نه تنها از دیدگاه وظایف سنتی پلیس مبنی بر کشف جرائم توجیه نمی‌کند بلکه این امر مبتنی بر استفاده از رویکرد پیشگیرانه پلیس در قالب پیشگیری انتظامی نیز تعریف می‌شود؛ زیرا وقوع بحران‌هایی نظیر گروگان‌گیری یا آشوب‌های خیابانی یا حتی فسادهای اداری همچون رشوا و ارتشا چنانچه توسط پلیس کنترل و مهار نشود، می‌تواند به ارتکاب جرائم منجر شود که هزینه‌های سنگینی را از ابعاد مختلف بر جامعه تحمیل کند؛ افزون بر این، وجود پلیس در قالب‌های تخصصی موجب می‌شود تا نیروهای متخصص و کارآزموده با سرعت و دقت به جرائم رسیدگی کنند و جامعه شاهد نمود مهارت‌های تخصصی نیروهای ویژه پلیس باشد. با توجه به آنچه تا کنون بیان شد، رویکرد پیشگیری انتظامی به لحاظ ویژگی‌های خود از قبیل کنشی، نظم‌مدار و

شهروندمدار بودن از طریق به کارگیری ساختارها، کارکردها و آموزشهای سنتی پلیس قابل تحقق نیست؛ بلکه دستیابی به آن مستلزم استفاده از ساختارهای جدید به منظور پیش‌بینی کارکردهای جدید و با آموزشهای تخصصی جدید است. در نهایت می‌توان چنین گفت که طی سالهای اخیر، که موضوع نظام سلامت ملی طرح شده است، مفاهیم مختلفی نیز در زمینه نظامهای درستکاری ارائه شده که هدف کلی و غایی آن ایجاد شفافیت و بهره‌مندی از توان حداکثری نهاد پیشگیری انتظامی یا همان پلیس در راستای بررسی علل بروز فساد از جمله فساد اداری و برقراری تعامل بین پیشگیری انتظامی و نهاد عدالت کیفری است.

قوانین باید با کمترین تغییرات و بیشترین دقت و کارایی تدوین شود و دولت باید به گروه‌های هدف (پلیس پیشگیری) منابع کافی برای فراهم کردن افسران خبره و متخصص در زمینه آموزش و تجهیز وسائل لازم را در اختیار این نهاد قرار دهد تا بتواند با کمترین مانع به وظیفه خود بپردازد. پلیس باید ابتدا به پاکسازی خود، و در ادامه با تدوین چارچوب مسئولیتی به تقسیم کار بپردازد. کنترل مناسب روشها باید برای تضمین عملکرد پلیس در زمینه فساد اداری در راستای عمل به قانون صورت گیرد؛ نه اینکه قانون خود مانعی در راستای مقابله با فساد اداری عمل کند. تدوین شناسه‌های اخلاقی برای کارکنان دولت و آموزش هنگام کار و درونی کردن فرهنگ فسادگریزی و فسادستیزی از رویکردهای پیشگیرانه است که می‌تواند با مدیریت پلیس پیشگیری به مرحله اجرا درآید. قانون باید ساختارهای کشف و سرکوب فساد ایجاد کند که در کمترین زمان ممکن بتوان به مراحل بعد دست یافت. تدبیر معکوس کردن دلائل اثباتی فساد اداری و مسئول ساختن شخص مظنون در اثبات بی‌گناهی خود و ارائه دلائل قانع کننده می‌تواند رویکرد جدیدی باشد که به رغم تغایر آن با نظام فعلی اثبات ادعا، بازدهی مناسبی در پاکسازی ریشه‌ای فساد اداری داشته باشد. هم‌چنین پلیس پیشگیری باید واجد تقسیماتی برای بازبینی عملکرد خود پلیس در راستای مبارزه و پیشگیری از فساد اداری باشد. کشف عوامل فساد و زمینه‌های بروز آن، مستلزم تهیه اقدامات و تدابیری است که به مقابله با آنها بپردازد و امکان بازگشت آنها را به حداقل برساند. فساد اداری در ساختارهای اداری و خلأهای قانونی و بعضاً کیفیت جذب کارکنان دولت و ابزار در اختیار آنها در خدمت رسانی به شهروندان ریشه دارد. نواقص قانونی و اجرایی به پروراندن محیط فساد محور منجر می‌شود و مقاماتی که برای پیگرد این جرائم پیش‌بینی شده است، با مشکل تراکم پرونده‌ها رو به رو می‌شوند؛ لذا مهمترین و شاید پیش پا افتاده‌ترین نتیجه پیشگیری از فساد، غربالگری و کاهش ورودی پرونده‌ها و کاهش آثار ناشی از فساد در کف جامعه است. باید قوانینی با حداقل تغییرات درباره فساد تدوین شود که در آنها کمتر به استثنائات بپردازد و دست

مقامات پاسخگو را ببندد. پلیس پیشگیری می‌تواند به طور مستقیم بر کاهش آمار فساد اداری مؤثر باشد به شرطی که قوانین تخصصی برای تعیین حوزه عملکرد آن پیش‌بینی شود.

۷. پیشنهادهای کاربردی

پنج رویکرد نظام عدالت کیفری و پلیس با توجه به یافته‌های مطرح شده در مبارزه با فساد اداری و اجرای عدالت از خلال پیشگیری از وقوع جرم و اتخاذ اقدامات پیشگیرانه وضعی و ثانوی، بدین شرح است:

- مصونیت از مجازات برای عاملان و افراد مافوق آنها پایان یابد. اجرای قانون برای اطمینان از مجازات فساد و تنبیه مفسدان، چرخه مصونیت از مجازات و رهایی از آن را به حداقل می‌رساند و امکان جری کردن دیگر افراد مستعد را کاهش می‌دهد. رویکردهای اجرایی موفقیت آمیز به دلیل چارچوب قانونی قوی، مجاری اجرای قانون از جمله نهاد پلیس و نظام عدالت را بشدت پشتیبانی می‌کند. جامعه مدنی نیز با فراغ بال از ابتکار عملیاتی چون حذف واسطه‌های تولید و گسترش فساد اداری استفاده می‌کند.

- اصلاحات مدیریت عمومی و مالی: اصلاحات با تمرکز بر بهبود مدیریت مالی و تقویت نقش نهادهای حسابرسی در بسیاری از کشورها به کارایی مؤثرتری در کاهش و مهار فساد در بخش دولتی دست یافته است. یکی از این اصلاحات، افشای اطلاعات مربوط به بودجه بندی نهادها و جلوگیری از هدر رفتن و سوء استفاده از این منابع است.

- ارتقای شفافیت و دسترسی به اطلاعات: کشورهایی که در مهار فساد اداری موفق عمل کرده‌اند، دولتی باز، مطبوعاتی آزاد و دسترسی به اطلاعات آزاد و شفاف دارند. دسترسی به اطلاعات باعث افزایش میزان پاسخگویی دستگاه‌های دولتی می‌شود و در عین حال بر میزان مشارکت عمومی در کشور و همکاری آنها با نهاد پلیس در تعقیب و تفتیش مفسدان تأثیر مثبتی دارد.

- توانمندسازی شهروندان: تقویت تقاضای شهروندان برای مقابله با فساد و توانمندسازی آنها در ایجاد انتظار پاسخگویی دولت از رویکردهای پایدار است که به ایجاد اعتماد متقابل بین شهروندان و دولت کمک می‌کند؛ به عنوان مثال، ابتکارات نظارت جامعه‌ای در برخی موارد به کشف فساد، کاهش نشت سرمایه و هم‌چنین کمیت و کیفیت خدمات عمومی کمک کرده است.

- توجه به نقاط ضعف: با دسترسی به نظام مالی جامع، فساد مقامات اداری و دولتی در سراسر جهان قادر به شستشو و مخفی کردن داراییهایی نخواهند بود که از دولت غارت کرده‌اند. مراکز

عمده مالی، فوراً نیاز به اتخاذ روشهایی برای متوقف کردن عملکرد مالی متفرقه و پراکنده از جمله خدمات مالی بانکها دارند که باید بتوانند با همکاری با مراکز مالی دیگر کشورها از جذب پولهای غیرقانونی جلوگیری کنند. بدیهی است پلیس بین‌الملل می‌تواند به عنوان بازوی اجرایی قوی وارد عمل شود و اجرای این رویکرد را آسان سازد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



- ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۰). جرم‌شناسی پیشگیری، ج اول، تهران: میزان.
- ایمانی، عباس (۱۳۸۲). فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران: نشر آریان.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۷). مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج دوم، تهران: گنج دانش.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر و منصورآبادی، عباس (۱۳۷۹)، بررسی تطبیقی اختلاس و تصرف غیرقانونی در حقوق کیفری ایران، مدرس علوم انسانی، پژوهش‌های مدیریت در ایران، ۴ (۲)، ص ۴۱-۶۲.
- حبیبی، نادر (۱۳۷۵). فساد اداری (عوامل مؤثر و روش‌های مبارزه)، تهران: وثقی.
- خدادادحسینی، سیدحمید و فرهادی نژاد، محسن (۱۳۸۰). بررسی فساد اداری و روش‌های کنترل آن، مدرس علوم انسانی، پژوهش‌های مدیریت در ایران، ۵ (۱)، ص ۳۷-۵۴.
- دلیو، پآتی افسو-اماه؛ راج سوپرامانین و کشیور آپرتی (۱۳۸۴). چهارچوب‌های حقوقی مفاوله با فساد، احمد رنجبر، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- زاهدی، شمس‌السادات؛ محمدنبی، سینا و شهبازی، مهدی (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر کاهش فساد اداری (مطالعه موردی در شهرداری تهران)، مدیریت فرهنگ سازمانی، ۷ (۲۰)، ص ۲۹-۵۵.
- شریف زاده، فتاح؛ قلی‌پور، رحمت اله (۱۳۸۲). حکمرانی خوب و نقش دولت، فرهنگ مدیریت، ۱ (۴)، ص ۹۳-۱۰۹.
- شمس نادری، محمد ابراهیم؛ توسلی‌زاده، توران (۱۳۹۰). پیشگیری وضعی از جرائم اقتصادی، مطالعات حقوق خصوصی، ۴۱ (۴)، ص ۱۹۹-۲۱۷.
- عمید، حسن (۱۳۷۷). فرهنگ فارسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۴). تحلیل رابطه حکمرانی خوب و فساد اداری، فصلنامه فرهنگ مدیریت، ۳ (۱۰)، ص ۱۰۳-۱۲۷.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). حقوق مدنی، ج ۵، تهران: گنج دانش.

- معین، محمد (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی معین، تهران: فرهنگ نما، کتاب آزاد.
- مقیمی، سید محمد (۱۳۸۷). مباحث ویژه در مدیریت دولتی، تهران: سمت.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۷۹). جرائم علیه اموال و مالکیت، تهران: میزان.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۰). جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: میزان.
- نجفی ابرنآبادی، علی حسین (۱۳۸۰). تقریرات درس جرم شناسی (پیشگیری)، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، نیمسال اول سال تحصیلی ۸۰-۱۳۷۹ به کوشش محمد علی بابایی.
- نوذری فردوسی، محمد؛ زارعکار، علی؛ خیرخواه، حامد و عبداللهی، سید امید (۱۳۹۵)، پیشگیری وضعی از فساد اداری در قوانین جمهوری اسلامی ایران، کنفرانس ملی فقه، حقوق و روانشناسی، شیراز: مرکز توسعه آموزشهای نوین ایران (متانا).
- هاشمی، سید حامد و پورامین‌زاد، سعیده (۱۳۹۰)، فساد اداری و راهبردهای مبارزه با آن، بررسیهای بازرگانی، ۵۰، (۵۲-۷۱).
- هانتنگتون، سامویل (۱۳۷۰). سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، محسن ثلاثی، تهران: نشر علم.
- همدمی خطبه‌سرا، ابوالفضل (۱۳۸۳). فساد مالی (علل، زمینه‌ها و راهبردهای مبارزه با آن)، تهران: مؤسسه مطالعات راهبردی.
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۸۰). حقوق جزا اختصاصی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- یزدان‌پناه، لیل؛ حسندوست فرخانی، هادی؛ بوستانی، داریوش و رضایی، امید (۱۳۹۲). بررسی رابطه نگرش به فساد اداری و دینداری، مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شهید باهنر کرمان، جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، ۴ (۱۰)، ص ۱۳۷-۱۶۰.
- Korsell, Lars Emanuelsson (2005). **Methods to prevent economic crime**, Stockholm: The Swedish National Council for Crime Prevention., Information and Publication.
- Ihalua, Abraham Nikolous (unknown date), **Effective Measures to Prevent and Combat Corruption and to Encourage Cooperation between the Public and Private Sector**, **Resource Material Series**, No. 92.
- Langseth, Petter (1999), **Prevention: An Effective Tool to Reduce Corruption**, **Centre for International Crime Prevention**, Global Programme Against Corruption Conferences, Vienna.